

فیرحی، متفکری مدرن

مراسم گرامیداشت چهارمین
سالروز درگذشت دکتر داوود فیرحی برگزار شد

سرچشمه (۲)

ای یاد دور دست که دل می ببری هنوز

پنج سال

از درگذشت میر تقی فاضلی گذشت

سرچشمه (۲)

جامی که دل از جهان می برد

جام بی قرار ملیله زنجان در نمایشگاه ملی صنایع دستی تهران

وقایع اتفاقیه (۳)

خشونت جاری در فضای مجازی حريم امنی برای کسی نمی گذارد

جمعی از اصحاب قلم و رسانه‌ی استان

بیانیه‌ای صادر کردند
وقایع اتفاقیه (۳)

ترامپ و مسئله‌ی ترامپ

هر کس هر طور که دلش خواست بچرخد

وقایع اتفاقیه (۳)





ای یاد دور دست که دل می‌بری هنوز پنج‌سال از درگذشت میر تقی‌فاضلی گذشت



میر تقی‌فاضلی متولد۱۳۰۹ خورشیدیبوداین داستان‌نویس در ۱۴سالگیحاکومت‌مرکزی‌ونیز محمودخان‌ذوالفقاری در زنجان همدلی داشت‌ولی بعداهازمخالفان آن‌هاشد.

اودردهمی‌سی هم‌طرفدار دکتر محمد مصدق‌بود.فاضلی از نویسندگان چپ‌زمانه‌ما به‌شمار می‌رود که بیش از ۲۰ اثر در زمینه‌ی رمان و فلسفه‌در زبان‌های فارسی و ترکی تالیف و ترجمه کرده است اما تعدادی از آن‌ها بصورت رسمی چاپ نشده‌اند.میر تقی مسلط‌به‌زبان‌انگلیسی‌بوده و تعداد ۵رمان از زبان انگلیسی ترجمه کرده‌است.

رمان «طرلان» و «چهرای در تاریکی» از مهم‌ترین کتاب‌های این‌نویسندهی‌عصیانگر سال‌های‌دهمی‌چهل‌زنگان‌است. رمان جنجالی طرلان در دهه‌ی چهل توسط اداره‌ی فرهنگ و هنر زنجان، توقیف و به‌تأم شعله‌های آتش سپرده شد و از آن پس تا به امروز هرگز به صورت رسمی چاپ و منتشرنشد.

طرلان دختر یتیم روستایی است که از کودکی در منزل دایی‌اش بزرگ می‌شود. او که تحت قیمومیت دایی خود قرار گرفته در نوجوانی به عقد پسر دایی‌اش «الفتاح» درآمده و برای ثبت محضری عازم شهر زنجان می‌شود. در اداری شهربانی زنجان توسط رئیس آن روبروه شده و گرفتار اتفاقات ناگواری می‌شود و در نهایت توسط نویسنده‌ی داستان نجات پیدا می‌کند. فاضلی در سطرهایی از فرایند صدور مجوز چاپ و انتشار کتاب داستان رئال و تراژیک طرلان می‌نویسد: از عصر همان روز پرهیزکار نوشتن دفتر چاپخانه را شروع نمود، فردای آن روز وقتی که وارد اداره مذکور[اداره اطلاعات و جهانگردی که بعدالیا اداره کل فرهنگ و هنر تغییر نام یافت] شد یکی از دوستان قدیمی خود آقای [ابراهیم] همتیان را سرجای رئیس اداره دید.هر دو نفر از ملاقات همدیگر شاد شدند. آقای همتیان دوست خود را کنار صندلی جا داده و مشغول صحبت‌شدند.پرهیزکار علت‌مراجعه‌ی خود را شرح داد.کتاب را تسلیم وی کرد.آقای همتیان از او مهلت سه روزه خواست و گفت می‌دانم که نوشته‌های تو لایق چاپ شدن را دارد اگر مسئولیت اداری نداشتم همین امروز اجازه‌اش را صادر می‌کردم من موقتاً رئیس هستم تا چندهفته‌دیگری رئیس اصلی خواهد آمد.این مهلت سه‌روزه برای آن است معلوم کند ما این کتاب را خوانده‌ایم و همین طوری سبم‌ش نکنیم.

(ازدرون شعله‌های میر تقی‌فاضلی، ص ۶۵)

... روزی که پرهیزکار کتاب را هم‌راه اجازه چاپش از دست دوست خود گرفت و به چاپخانه آورد که کنار کان چاپخانه خوشحال شدند. پرهیزکار با کمک مش غلام‌رضا و سایر کارگران توانست حروفچینی کتاب را به دنبال چاپ انواع و بقیه کارهایش در مدتی که ممکن بوده به‌انجام برساند. یک‌روزنامه‌از اداره اطلاعات و جهانگردی به‌دقت رسید که در آن قید شده بود هر کتاب که با اجازه قبلی از سوی این اداره به چاپ رسید بایستی قبل از تجلید دو نسخه از آن جهت مطالعه و صدور اجازه نشر به این اداره ارسال گردد، در غیر این صورت خود مدیر چاپخانه مسئول شناخته خواهد شده و تحت پیگرد قرار خواهد گرفت.آقای ستاره پس از خواندن نامه گفت: می‌بینی آقای پرهیزکار ما با چه گرفتاری‌هایی مواجه‌هستیم؟

بالاخره کتاب ها آماده تجلید شدند. آقای ستاره دو جلد از آن را هم‌راه نامه‌ای که به اداره اطلاعات و جهانگردی نوشته بوده به پرهیزکار داد تا آنها را برده و اجازه نشر بگیرد. پرهیزکار فردای آن روز قبل از آمدن برسر کار، هم‌راه کتاب‌ها به اداره مذکور مراجعه کرد.دید در سرجای دوستش، مرد دیگری با چهره عیوس نشست، وارد اطاق شد. سلام کرد، رئیس از گوشه چشمش نگاهی به او کرد، بدون اینکه جواب سلام رابدهد مشغول مطالعه‌شد.

پرهیزکار منتظر و سراپ ایستاد، بعداز یک دقیقه رئیس سر برداشت و پرسید: چه کار داشتی؟

پرهیزکار جلو ترفت و کتاب و نامه را روی میز نهاد، رئیس نامه را خواند و در حالی که زیر نامه مطلبی می‌نوشت گفت:یک‌هفته‌دیگه بیال! (همان‌صص ۶۶۶)

«... فردای آن روز نامه‌ای از اداره اطلاعات و جهانگردی [اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فعلی] به‌بنگاه مطبوعاتی ستاره رسید که در آن نوشته‌بود در پاسخ نامه آن بنگاه مبنی بر دادن اجازه انتشار اعلام می‌گردد

که نشر آن کتاب از نظر این اداره ممنوعی می‌باشد و شما مکلف

به نگهداری و نیز عدم نشر آنها هستید.تالین اداره در وقت

منتقضی جهت نابودی آنها اقدام نماید! (همان‌صص ۶۹)

«...پاسخ اداره جهانگردی بسیار ساده و کاملاً ناشیانه تهیه شده بود. اجازه نامه‌ای که برای کتاب... ادامه در ستون **آبگینه**

سرچشمه - مراسم گرامیداشت

چهارمین سالروز درگذشت دکتر داوودفیرحی توسطانجمن‌اسلامی دانشجویان دانشکدهی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در تالار شیخ انصاری این دانشکده و با سخنرانی دکتر عباس آخوندی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، دکتر فیروز محمودی‌جانی‌کی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، دکتر سیدعلی میرموسوی عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع) و مدرس دانشگاه مفید و دکتر رضا تاران پژوهشگر فقه و سیاست و مدیر نشر آثار دکتر فیرحی برگزار شد.

عباس آخوندی: «ملت» گمشده‌ای در منظومه فکری مرحوم فیرحی است

دکتر عباس آخوندی در مراسم گرامیادشت چهارمین سالروز درگذشت دکتر داوودفیرحی، سیاست‌معاصر ایران و مساله ایران از نگاه دکتر فیرحی را مورد بررسی قرار داد و بیان کرد: مرحوم فیرحی از جمله کسانی است که از دو مدرسه‌متخلف یعنی «مدرسه دینی» و «مدرسه مدرن» بهره‌مند بوده و در واقع محل تلاقی واقعی این دو مدرسه است. شاید کسانی دیگر نیز پیش از انقلاب مشهور به این بحث بودند، اما عمق و یکپارچگی ذهنی مرحوم فیرحی بسیار بیش از گذشتگان خود حتی در پیش از انقلاب بوده است لذا حتماً مرحوم فیرحی یک نگاه مدرن داشتند و دنبال این بودند که با نگاه مدرن به مساله سیاست و ایران نگاه‌کنند. به همین دلیل دکتر فیرحی دغدغه‌مندی بسیار زیادی داشت تا بتواند ارتباط «سنت و مدرنیته» را به نحوی تبیین کند و این تبیین برای ما بسیار ارزشمند است.

مرحوم فیرحی یک اندیشمند مدرن بود

وی ادامه داد: آنچه دکتر فیرحی از سنت استخراج می‌کند با آنچه دیگران از سنت استخراج کردند، تفاوت‌های بسیاری دارد. مرحوم فیرحی یک اندیشمند مدرن بود و هیچ تلاشی نمی‌کند که «این همتا» بین مفاهیم مدرن و مفاهیم دینی برقرار شود و به این واسطه دچار تناقض‌های رفتاری گردد، این امر نقطه قوت مرحوم فیرحی است.

تقدس زدایی از مفهوم دین و حکومت دینی

وی گفت: خدمتی که دکتر فیرحی به دانش معاصر ایران می‌کند، یک نوع تقدس زدایی از مفهوم دین و حکومت دینی است. دکتر فیرحی قرائت اقتدارگرایانه از دین را محصول محیط می‌داند و یک بار دیگر متن را در محیط خودارزیابی می‌کند و به دنبال این نیست که بگوید لزوماً یک قرائت از حکومت دینی هست و آن هم حکومت اقتدار گرایانه است. این نکته بسیار مهمی است که مرحوم فیرحی متن را در شرایط تاریخی خود ارزیابی می‌کند.

وی اظهار داشت: صدر اسلام که شرایط زمان و تاریخ مختص به خود را دارد، قرائت از حکومت، یک قرائت اقتدار گرایانه است. دکتر فیرحی در کتاب «قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام» می‌گوید که من تحت تأثیر فوکو این متن را می‌نویسم در واقع می‌خواهد یک بار دیگر با روش تحقیق مدرن به متن برگردد از جهت ایده پردازی و نظریه اینکه یک شخصی در شرایط زمانی مشخص و در دانشکده حقوق چنین بحثی را مطرح کند، شهادت می‌خواهد که دکتر فیرحی چنین شهادتی رانداشته.

دکتر فیرحی متن و اجزای متن را از تاریخ جدا کرد

آخوندی عنوان کرد: دکتر فیرحی متن و اجزای متن را از تاریخ جدا کرد و سلطه نگاه تاریخی را در متن به‌مانشان داد. این موضوع اگر در جهان سیاست ایران فهم شده بود، قطعاً امروز وضعیت متفاوتی داشتیم، اما متأسفانه این موضوع فهم نشده‌است.

وی با بیان اینکه مرحوم فیرحی سعی می‌کند فرایند رویارویی اندیشه مدرن و سنت شیعی را تبیین کند، اظهار داشت: به شکل تاریخی شاید عبدالهادی حائری یک بار این کار را کرد، ولی ایشان آنچه که در حوزه فقه رخ داده با تجزیه اندیشه‌های فقهی چه در نظریه شیخ انصاری و چه در نظریه مرحوم جوهر و چه در نظریه نائینی که شاگرد شیخ انصاری محسوب می‌شود، این بحث را به خوبی می‌شکافد. یعنی آنچه‌که فیرحی مفهوم استعاره را مطرح می‌کند و اینکه چگونه نه‌توانستند در رویارویی با جهان جدید برای یک بازخوانی و قرائت مجدد از متن دینی و متن فقهی از استعاره استفاده کنند.

وی نقدی بر نظریه دکتر فیرحی وارد کرد و گفت: مرحوم فیرحی بحث‌های تئوریک را به خوبی مطرح می‌کند، ولی در مساله ایران متوقف می‌شود و در مرحله تبیین چستی ایران و مساله ایران و اینکه بتواند در نهایت یک دولت – ملت مدرن ایرانی را تبیین و تعریف کند، متوقف می‌شود. وی در ادامه به یکی از نظریه‌های سیدجواد طباطبایی اشاره کرد و افزود: اصلی‌ترین مساله سیدجواد طباطبایی، مساله ایران است و بررسی می‌کند که موانع اصلی



فیرحی، متفکری مدرن

مراسم گرامیداشت چهارمین سالروز درگذشت دکتر داوود فیرحی بر گزار شد



برعکس از رابطه ملت با دین است. دکتر فیرحی در این

نقد به نقل از مرحوم طباطبایی می‌نویسد: «یک ملت با فرهنگ آن تعریف می‌شود و دیانت آن ملت نیز بخشی از فرهنگ آن است.» بر این اساس سیدجواد طباطبایی همیشه دین را بخشی از فرهنگ می‌دانست و در نتیجه رابطه معکوس در نظر به طباطبایی که مرحوم فیرحی بدان اشاره می‌کند، وجود نداشته‌است.

دکتر فیرحی به فهم مدرن ما از متن دینی خدمت بسیار بزرگی کرد

آخوندی گفت: دکتر فیرحی به فهم مدرن ما از متن دینی خدمت بسیار بزرگی کرد و تلاش ایشان این بود که دین را در چارچوب نظریه مدرن فهم کند و هیچ اضرائی به دین امانی نداشت و می‌خواست یک بحث مستقل اصیل را مطرح کند. دکتر فیرحی با نگاهی مدرن به قرارداد اجتماعی اشاره کرد و به حکومت به شدت پایبند و علاقه‌مند بود، ولی مشکل اصلی دکتر فیرحی در این بحث این بود که نگاه تاریخی به قرارداد و متن نداشت لذا موضوع املت «همچنان مساله که گرامش در منظومه فکری مرحوم فیرحی است.

دکتر میرموسوی: دکتر فیرحی پروژه فکری مشخصی را دنبال می‌کرد

دکتر سید علی میرموسوی، عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم در مراسم بزرگداشت دکتر فیرحی که در تهران برگزار شد اظهار داشت: انسان‌ها از نظر رابطه و نسبتی که بین حیات و طول عمرشان است به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ برخی حیات‌شان کوتاه‌تر از طول عمرشان است، برخی حیات‌شان هم اندازه‌با طول عمرشان است و برخی حیات‌شان ماندگار تر است. دکتر فیرحی از دسته سوم بود و رمز ماندگاری دکتر فیرحی را بایستی افزون بر اخلاق و سیره‌و‌الای او در خدمتی جستجو کرد که ایشان به ایران و پیشبرد آگاهی و دانش ایرانیان داشته‌است.

دغدغه‌ی ایران در نزد مرحوم فیرحی بیشتر از دغدغه‌ی دینی بود

وی افزود: دکتر فیرحی از جمله استادان و اندیشمندانی بود که پروژه‌ی فکری مشخصی را دنبال می‌کرد و آن را «رائه‌ی یک خوانش دموکراتیک از اسلام با تمرکز بر فقه» نامید و این صرف‌دغدغه‌ی دینی نبود بلکه دغدغه‌ی

ایران هم داشت و چه بسا دغدغه‌ی ایران در نزد او بیشتر از دغدغه‌ی دینی بود چون تصور می‌کرد، وی اظهار داشت: مرحوم سیدجواد طباطبایی با ایده «ایران‌شهر» تمام تلاشتش این بود که بتواند ملت ایران را تعریف کند و همین امر بزرگ‌ترین خدمت مرحوم طباطبایی به اندیشه سیاسی ایران این بود. اما مرحوم فیرحی یک نقدی بر ایده ایران‌شهری مرحوم سیدجواد طباطبایی نوشت که معتمد بر نقد دکتر فیرحی نقدی بزرگ تر وارد است، چرا که بحث مرحوم طباطبایی این بود که «دین» از عناصر مقوم ملت ایران است و دین را به عنوان بخشی از فرهنگ تعریف می‌کند و حاکمیت دین بر فرهنگ را نمی‌پذیرد. لذا وقتی مرحوم طباطبایی می‌خواست درباره ملت بحث کند، بحث سرزمین و دین را مطرح می‌کند و در دوره جدید بحث مدرنیته و در دوره قبلی نظم تمدنی ایران را به عنوان یک اصل مطرح می‌نماید.

وی ادامه داد: مرحوم فیرحی یک نقدی به مرحوم طباطبایی کرد و گفت: «به آسانی می‌توان ملاحظه کرد که استفاده او از دیانت جایی برای امر ملی باقی نمی‌گذارد. فقره فوق‌حاکمی از ملازمه مهمی در اندیشه طباطبایی است و آن ملازمه این است که استقلال و اصالت امر دینی مستلزم عدم تلفات به امر ملی است و برعکس، هرگونه تلفات به امر ملی مستلزم اصالت نداشتن امر دینی است.» معتمد این نقد، دکتر فیرحی صحیح نیست و نشان از فهم

موج‌پیداری



مذکور صادر شده است صرفاً به منظور چاپ کتاب بوده بر طبق دستور مقام وزارت متبوعه هر کتاب علاوه بر اجازه چاپ باید اجازه نشر هم دریافت کند.» (همان‌صص ۷۰)

«...فردای آن روز یک ماشین وانت جلوی چاپخانه ستاره توقف کرد نماینده اداره اطلاعات و جهانگردی از آن پیاده شد نزد آقای ستاره آمد و پس از تسلیم شش هوار تومان از او درخواست کرد کتاب‌ها را به ایشان تحویل نماید دو نفر هم‌راهان نماینده اداره مذکور کتاب‌ها را از چاپخانه آورده‌بار وانت کردند و با دادن رسید آنها را بردند. این کار با سرعت انجام گرفت. آقای ستاره از آن می‌ترسید که پرهیزکار برسد و مانع از بردن کتاب‌ها شود.

یک ساعت بعد پرهیزکار آمد آقای ستاره سه هوار تومان به او داد و گفت: دوست من! این پول بابت زحماتی است که برای چاپ کتاب خودت متحمل شدی. من نیز پول کاغذ و چاپ آن‌ها را دریافت کردم. آنچه می‌ماند زحمت تو در نوشتن کتاب و انتظار من از نشر یک کتاب خوب که متأسفانه به هدر رفتند!» (همان‌صص ۷۴)

«...پرهیزکار [با عجله به سوی اداره اطلاعات و جهانگردی رفت آنجا که رسید دل‌ان شد. همینکه خواست وارد حیاط شود شعله‌ها زده‌شعله‌های آتشی را دید که از کتاب‌های او به هوا بلند می‌شود. دید که آنها را در وسط بانچه روی هم تابشته و بعد از پاشیدن ماده‌ای که شاید بنزین یا نفت بوده آنها را آتش زده بودند. کارمندان اداره دور آن حلقه زده بودند و خود رئیس نیز در کناری ایستاده و ناظر عملیات کتاب سوزان خود بود. پرهیزکار سر جایش می‌خکوب گشت چشم‌انش به شعله‌ها دوخته شده بودند. شعله‌ها رفته رفته سرک می‌کشیدند. بلند می‌شدند و همه کتابها را در کاشمان کشیده‌و همچون مرغی که همنام کتاب بودیل و پرنان در فضا دور می‌شدند.» (همان‌صص ۷۵)

«ناگهان حالتی شبیه خلسه به پرهیزکار دست داد. او می‌دید که آخرین شعله‌ها بعد از برخواست در محلی که باید نبود شوند به اطراف خود پرتکشوند. بزرگ و بزرگ‌تر شدند و در حالی که تمامی فضا را احاطه می‌کردند همه باهم و یک جا با خطی درشت و طلایی اسم کتاب را نوشتند: ط...ر...ا...س...ا...ن...ه.»

همان‌صص (۷۵،۷۶)

گفتنی است ۲۸ آذر سال گذشته فیلم مستند «گلنگدن» (پرتره‌ی از میر تقی‌فاضلی که با کارگردانی مشترک ناصر قهرمانی حسین نجاری و به‌نویسندگی فاطیما اساحتی با حضور این نویسنده شریف در سینما بهمین زنجان رونمایی و اکران شد ولی اسمال در روز اول آذر میر تقی به ابیدت پیوست.

فاضلی در بخشی از فیلم مستند «گلنگدن» به روایت تاریخ معاصر زنجان و رویدادهای سیاسی اجتماعی و فرهنگی بعد از استقرار فرقه‌ی دموکرات در زنجان و تقابل آن با حکومت مستقر می‌پردازد و اطلاعات دقیق و وثیقی از آن برهه می‌دهد. فیلم مستند گلنگدن صدای تاریخی دارد و روایت خود را در سه سطح منسجم پیش می‌برد: روایت اول مربوط به زندگی شخصی میر تقی فاضلی است که ضمن معرفی کوتاه‌وی در ابتدای فیلم به صورت متن با اشاری‌وی خود نویسنده به چند و چون زندگی به جذابیت موضوع می‌افزاید. فاضلی می‌گوید زادهی خانواده‌ی دیگری است و با خانواده‌ای که در آن بزرگ شده نسبت خوبی ندارد.

روایت دوم در این مستند مربوط به رمان طرلان است که در سال‌های دهه‌ی چهل نوشته شده و شخصیت اصلی این رمان همان طرلان است.

روایت سوم هم مربوط به تاریخ معاصر زنجان است. در خط سوم این مستند که همان روایت تاریخ معاصر است به رویدادهای سیاسی اجتماعی و فرهنگی بعد از استقرار فرقه‌ی دموکرات در زنجان و تقابل آن با حکومت مستقر پرداخته شده و اطلاعات خوبی از آن برهه می‌دهد.

همچنین در این مستند سه تن از نویسندگان زنجان سعید افشار، محمدعلی خامه‌پر ست و علی محمدبائی(زن‌اوابی مختلف به‌آثار و دل‌مشغولی‌های میر تقی فاضلی می‌پردازند. فیلم گلنگدن با حمایت شورای شهر زنجان و شهرداری در سینما بهمین اکران شد و تعداد قابل توجهی از کنشگران فرهنگی، ادبی و اجتماعی شهر به تماشای آن نشستند.

در پایان پرنامه‌های تالابویی که توسط هنرمند لوکلر نویست جوان جمال رحمتی از چهره‌ی نویسنده طراح‌ی شده بود از میر تقی فاضلی تجلیل شد.



ارادتمندان حضرت آیت‌الله خمینی **ادامه در صفحه‌ی ۴**



انعقاد تفاهننامه همکاری اتاق بازرگانی زنجان و سازمان همکاری‌های بین‌المللی روسیه



سرچشمه -پیر و حضور هیات تجاری روسیه در اتاق بازرگانی زنجان در ۱۸ شهریور ۱۴۰۲، بر اساس گفتگوها و مذاکرات تجاری و تخصصی صورت گرفته در آن جلسه که منتج به انعقاد تفاهننامه همکاری با اتاق بازرگانی آسترآخان در بهمن ۱۴۰۲ شد، این بار نیز طی نشست با حضور رییس و جمعی از اعضای هیات نمایندگان اتاق بازرگانی زنجان و نماینده سازمان توسعه همکاری‌های بین‌المللی روسیه (NCC) در ایران جهت توسعه و تقویت بیشتر همکاری‌های اقتصادی و تجاری و تدوین راهکارهای عملیاتی بین تجار استان زنجان و روسیه، عصر سه‌شنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۳، تفاهننامه‌ی فی‌مابین این دو سازمان در محل اتاق بازرگانی زنجان منعقد شد.

به گزارش همدلی زنجان؛ صمد یوسفی اصل رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی زنجان در این نشست به اهمیت و بزرگی بازار روسیه تأکید کرد و گفت برای ما در حال حاضر مهم است که نه تنها نیازهای بازار روسیه را شناسایی و بر اساس ظرفیت‌های تولید استان، در صدد تأمین آنها باشیم بلکه تقویت مراودات تجاری ویژه در خصوص کالاهایی که امروز به بازار روسیه صادر می‌کنیم را نیز جدی بگیریم. وی همچنین به اقدامات پیر نامرئیزی‌های سازمان یافته در فعالیت‌های اقتصادی اشاره کرد و افزود: تفاهم‌نامه‌های همکاری مسیر صحیح تجارت و داد و ستد را هموار و دقت و سرعت در همکاری‌های عملیاتی را ارتقا می‌بخشد و این پیوند همکاری اتاق بازرگانی زنجان با سازمان NCC که اعضای آن را افراد دولتی و خصوصی مهم روسیه تشکیل می‌دهند بدون تردید فواید و مزیت‌هایی را برای تجارت فراهم خواهد کرد. رییس اتاق بازرگانی زنجان با اشاره به توانمندی‌های تولید و خدمات استان خاطر نشان کرد در حال حاضر شمش روی شهر زنجان به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده این محصول در کشور، ماهی قزل‌آلای شهرستان ماهنشان که مورد استقبال بسیار خوب مردم روسیه است و شوندهای شرکت گلرنگ و برخی قطعات الکترونیکی به بازار روسیه صادر می‌شود. باور مصوری نماینده سازمان توسعه همکاری‌های بین‌المللی روسیه(NCC) در ایران نیز با اشاره به ظرفیت‌های بازار روسیه جهت عرضه محصولات ایرانی ویژه در حوزه کشاورزی، صنایع غذایی و سرمایه‌بندلییل موجه با تحرم‌های جدید ترک کرده‌اند و این فرصت بسیار خوب در حال حاضر ایجاد شده‌است که ما تجار ایرانی محصولات خود را با زحمت و هزینه کمتر از قبل در مارت‌های این کشور بزرگ عرضه و برندسازی کنیم‌وی به تشکیل کارگروه تخصصی کشور روسیه و همچنین تأسیس دفتر تخصصی همراه با show room و حضور مداوم نماینده اتاق بازرگانی زنجان در کشور روسیه تأکید کرد و افزود با توجه به ویژگی‌هایی که مردم روسیه دارند بیشتر علاقه مندهستند با تاجر و فروشنده‌ها بصورت رو در رو گفتگو و مذاکره کنند تا محصولات مورد نظر خود را بدرک و شناخت بهتری تهیه‌نمایند. نماینده سازمان توسعه همکاری‌های بین‌المللی روسیه(NCC) در ایران با بیان اینکه کشور روسیه و ایران از مزیت‌ها و ویژگی‌های بسیاری فوق‌العاده‌ای برخوردارند در حوزه‌های صنعت، کشاورزی و گردشگری برخوردار است، بیان کرد که یک ویژگی نامطلوب که بین ایران و روسیه مشترک است عدم بهره‌برداری خوب از رسانه است به عبارتی این دو کشور در معرفی ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها و نیازهای خود به هیچ عنوان تاکنون نتوانسته‌اند. رسانه را در خدمت خود و اقتصاد در آورند. یاور مصوری با اشاره به اینکه NCC از سال ۲۰۱۴ در دستور رییس جمهور وقت پایه‌گذاری شد و گردانندگان آن هم، ارگان‌های بسیار مهمی از جمله وزارت راه آهن، سازمان توسعه تجارت، اتاق بازرگانی روسیه و… می‌باشد بیان کرد جنوب غرب متسکو در حال توسعه است و به موجب همین تفاهننامه همکاری، ارائه‌میلی‌های خوبی‌اُز طریق کارشناسان NCC در اختیار تجار و سرمایه‌گذاران استان زنجان قرار داده خواهد شد که در کدام نقطه روسیه اقدام به تأسیس واحدهای تولیدی کنند که با فرایندی مطلوب و بدون ریسک اهداف توسعه‌ای خود را محقق کنند. در پایان این نشست، تفاهننامه همکاری فی‌مابین اتاق بازرگانی زنجان و سازمان همکاری‌های توسعه‌ای بین‌المللی روسیه(NCC) توسط طرفین امضاء شد.

دیترویت زمانی قلب تپنده صنعت اتوموبیل سازی امریکا بود. کمپانی های خودروسازی فورد، جنرال موتورز و کرایسلر و دفاتر طراحی و مهندسی و سالن‌های تولید انبوه شرکت‌های بزرگ و کوچک که برای آن‌ها قطعه می ساختند در این شهر مستقر بودند. دو تیم بسکتبال مشهور «دیترویت لاینز» و «دیترویت پیستونز» در لیگ» ان بی ای» از این شهر برخاستند. کتابخانه عمومی شهر با هفت و نیم میلیون جلد کتاب از بزرگترین کتابخانه‌های ایالات متحده بود و این به غیر از کتابخانه جرالد فورد است که در جوار دانشگاه میشیگان قرار دارد.

اتوموبیل از کالایی لوکس و اشرافی از این شهر بود که با «فورد مدل تی» به وسیله ای همگانی تبدیل شد و خیابان‌های دنیا را فتح کرد. (فورد مدل تی چیزی تو مایه‌های پراید خودمان بود که اغلب خانواده‌های ایرانی اولین بار با آن صاحب اتوموبیل شخصی شدند. گلابه مردم از نداشتن تنوع رنگ منجر به پاسخ ماندگار فورد شد: انتقاد قابل قبول نیست، مشتریان می‌توانند هر رنگ‌سباهی که دوست دارند سفارش دهند. تمام)

ابتدای قرن بیستم طرف مدت کوتاهی مسافرت با اتوموبیل شخصی برای انبوه مردمان آمریکا، و در ادامه سراسر اروپا و بقیه جاها از رویا به حقیقت تبدیل شده بود. در سال ۱۹۱۴ فورد دستمزد روزانه کارگران را ۵ دلار در روز تعیین کرد. دو سال بعد از آن قیمت یک دستگاه فورد مدل تی از ۸۵۰ دلار به ۳۶۰ دلار رسیده بود. دستمزد سه ماه در کارگاه‌های وابسته به فورد، هر کس شش ماه کار می‌کرد صاحب بخشی از سهام شرکتی می‌شد که هر دقیقه یک اتوموبیل بیرون می‌داد. این یعنی سقوط آزاد به سرزمین رویاها. نسل بشر از ابتدای فرگشت در سه میلیون سال پیش برای اولین بار این همه خوشبختی دسته جمعی را تجربه می‌کرد. خیابان‌ها و بزرگراه‌ها به سرعت ساخته می‌شدند و اهالی دیترویت بیش از تمامی ساکنان دنیا در کانون تولید این خوشبختی قرار داشتند و نمی‌دانستند با این همه خوشبختی چه کار کنند. آمریکا اینگونه بود که سرزمین رویاها لقب گرفت. هنوز در آلبوم بسیاری از ساکنان قدیمی شهر عکس‌هایی سیاه و سفید پیدا می‌شود که خانواده‌ای با فورد مدل تی به گردش رفته‌اند، جوانانی انگشت‌شان را روی عکس کودکی خردسال می‌گذارند و می‌گویند: این پلربزرگ من است و این هم اتوموبیل پدرش بود.

نگاه حسرت بار به عکس خردسالی پلر بزرگ‌ها که در دوره کوتاه تبدیل رویا به حقیقت زندگی کرده‌اند قسمت‌های ناخوش آیندی هم دارد. شنیده شده‌است بسیاری از حقوق بگیران شهر قادر نیستند شهریه‌های دانشگاه فرزندشان را بپردازند، در این حالت تامل در این عکس‌ها ممکن است کسانی را به مرزهای جنون بکشاند.

وقتی صنایلی‌های دانشگاه‌های شهر را مهاجرانی چشم بادامی و عرب پرکرده‌اند که معلوم نیست این همه دلار را از کجا و چگونه به دست آورده‌اند، و نوه‌های ساکنان قدیمی شهر که در سال ۱۹۲۰ روی کاپوت فورد مدل تی می‌نستند برای شستن ظرف در رستوران‌های زنجیره‌ای در لیست انتظار اسم می‌نویسند، کار از جنون گذشته و به شورش می‌انجامد. اما برای شورش در عهد دموکراسی به جز رای به عصبانگری مثل دونالد ترامپ گزینه‌ی دیگری وجود ندارد. ترامپ اولین زبانه‌های آشفتنایی بود که از پشت پرده علنی شده‌است، هنوز لهیب شراره‌های سوزان در راه‌است.

دیترویت در ژوئیه سال ۲۰۱۳ اعلام ورشکستگی کرد و درخواست این ورشکستگی به تأیید فرماندار ایالت میشیگان رسید. به گفته مدیر امور اضطراری دیترویت «مشکلات مالی باعث شده تا ۴۰ درصد لامپ‌های خیابانی خاموش شوند و زمان پاسخ پالیس به درخواست‌ها به حدود یک ساعت برسد در حالی که میانگین کشوری بازده دقیقه‌است.» سالن تئاتر معروف

ترامپ ومسئله‌ی ترامپ

هر کس هر طور که دلش خواست بچرخد

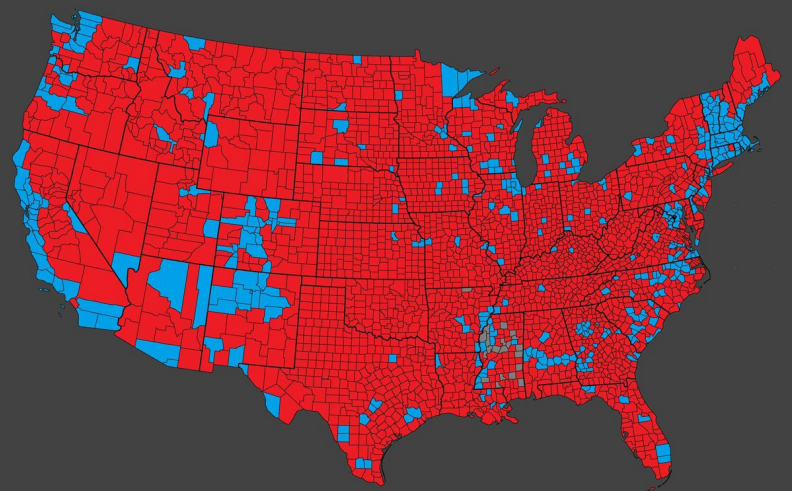
صفر حیدری



شهر که زمانی تا پاسی از شب پاتوق دختران و پسران بود به پارکینگ اتوموبیل‌های تصادفی که رانندگانشان گذاشته و رفته‌اند تبدیل شده‌است. تصاویری که از این شهر پخش شده بیشتر شبیه شهر ارواح است تا شهری که زمانی رویاها در آن به حقیقت می‌پیوست. نمی‌توان به ساکنان این شهر ایراد گرفت چرا به ترامپ رای دادند. وقتی آراء دو حزب اصلی امریکا را که روی نقشه تقسیمات ایالتی پارنگه‌های آبی و قرمز از هم جدا شده‌اند نگاه می‌کنیم، طوفانی می‌بینیم که سراسر امریکا به جز مراکز شهری سواحل شرقی و غربی را در نور دیده‌است. مسئله ساده به طرز حیرت‌انگیزی پیچیده شده‌است.

صاحبان کمپانی‌های بزرگ کار خاتجیات خود را به جاهای دور دست که سرشار از مواد اولیه و نیروی کار ارزان بود منتقل کردند و کم کم بازار مصرف همین کشورها را هم بخشی از اهداف تجاری خود دیدند. این ارزش افزوده‌است که دیده‌ت می‌کند سرمایه‌ها کجا و در چه کاری به کار گرفته شوند. اتوموبیل و هر کالایی صنعتی دیگری در چین ارزان‌تر از امریکا تولید می‌شود و همان‌جا هم بیشتر از هر جای دیگری خریدار دارد. برای صاحبان کمپانی، مهم کاهش قیمت تمام شده و بالا بردن تیراژ تولید و فروش و خلاصه افزایش سود است. با این وصف شرکت‌هایی را در نظر بگیرید که دفاتر مجللی با تعداد لندکی طراح و کارشناس خیره‌در نیویورک و واشنگتن و سیلیکون ولی دارند. و کالاهایی طراحی می‌کنند که در چین تولید می‌شوند و همان‌جا هم به فروش می‌رسند و بی‌آنکه از این سودهای سرشار مردم امریکا بهره‌ای داشته باشند صاحبان شرکت‌ها به سود خود می‌رسند.

امریکایی‌ها سال‌هاست چشم بادامی‌ها و عرب‌هایی پوشیده در لباس‌های عجیب و غریبی را می‌بینند که به برکت دلارهای ارسالی از دور دست‌ها، نیمکت دانشگاه‌ها را پر کرده‌اند، توریست‌های پر انرژی به ویلاهای تفریحی سواحل درآخرفهفته‌مجموم می‌آوردند و در رستوران‌ها میزهای رو به پنجره را رزرو می‌کنند. صاحبان کمپانی‌ها کاری به این چیزها ندارند. نه نگران بالا و پایین شدن دستمزد کارگران در امریکا هستند و نه مثل گذشته اعتصابات کارگری خواب از سرشان می‌ریابد. این چیزها می‌تواند بخشی از سرگرمی‌های



جامی که دل از جهان می‌برد

جام بی‌قرار میلیه زنجان در نمایشگاه ملی صنایع دستی تهران

خودنمایی می‌کنند، در اندازه‌های خیره‌کننده ۵۴ سانتیمتر قطر دهانه، ۵۴ سانتی متر ارتفاع و ۵۸ سانتی متر پایه کار و با استفاده از ۱۰۰۰۰ گرم نقره ۹۹.۹۹ ساخته‌است، بدون آن‌که کوچک‌ترین سازشی درباره‌ی ظرافت جزئی و کلی

دارد باشد. یزدانشناس از پیشگامان و مبتکران جریان میلیه‌کاری حجمی است که راهکارهای زیادی برای فائق‌آملدن بر موانع آفرینشگری هنری ملی و بین‌المللی، به شناساندن هنر میلیه‌کاری زنجان به جهانیان همت گذاشته‌است. او با در اناختن طرحی نو و اجرای برخی از بهترین و پیچیده‌ترین آثار میلیه در جهان موفق به کسب چندین عنوان هنری

وقایع اتفاقیه

رسانه‌ای باشد. ترامپ از لابلای این سرگرمی‌های خبری بود که ناگهان میز را چپه کرده‌است.

ترامپ با این که خود از طایفه‌ی همان کمپانی داران‌است اما یک تفاوت اساسی با آن‌ها دارد. موضوع فعالیت ترامپ در بخش ساختمان‌سازی، هتل‌داری و سرگرمی است. او تقریباً هیچ سرمایه‌ای در چرخه‌ی فعالیت‌های بین‌المللی ندارد و تنها کاری که در خارج از مرزهای امریکا دنبال می‌کرد گلچین زنان مانکن و زیباروی بود. ترامپ سرمایه‌داری است که بیشتر کسب و کارش در درون مرزهای امریکاست. برای همین می‌تواند به راحتی بگوید برای کالاهای ساخت چین می‌خواهد ۴۵ درصد مالیات بیشتر بگیرد تا ورودشان را محدود کند. ترامپ نه به بازارهای بین‌المللی کار دارد و نه از مواهب آن کشورها به جز زنان زیباروی دنبال موهبتی است.

وضع قوانین سخت‌گیرانه برای ورود مهاجران مکزیکی و مسلمانان با پررنگ کردن احساسات ناسیونالیستی نیز از شعارهای مهم ترامپ بود که آراء زیادی را به سبب او سرازیر کرد اما عمل به این شعار به همین سادگی‌ها نخواهد بود. انگیزه‌ی کشاورزانی که به ترامپ رای داده‌اند پاسخی به نگاه از بالای جامعه شهری امریکا به مزرعه نشینان کنار ورخانه‌ها بود که از برج‌های سر به فلک کشیده منتهن آن‌ها را خیلی قاطی امریکایی‌ها نمی‌بینند. به تعبیر تهرونی‌ها آن‌ها را یک مشت دهاتی می‌بینند که نمی‌توانند ویندوز کامپیوترشان را به روز کنند

اما در لابلای شعارهای ترامپ خطر بزرگ‌تری هم در کمین همین کشاورزان است. خارج ده میلیون مکزیکی مهاجر غیر قانونی، کارگرانی که اغلب در زمین‌های همین کشاورزان یا دستمزد های کمتری کار می‌کنند کار راحتی نیست. سخت‌است جوانان تبلت به دستی که از انتخاب ترامپ عصبانی هستند را به کار در مزارع دور افتاده و داشت و از آنها خواست برای ساختن دوباره امریکا خیابان‌های نیویورک و لس آنجلس را رها کنند و در مزارع حاشیه رود می‌سی‌سی‌پی برای کشاورزانی صاحب زمین کار کنند و از زمین شلغم و کلو در بیآورند و شب در اتاق‌هایی کنار گاو و گوسفند بخوابند. مکزیکی همه این کارها را می‌کنند. (مدل کلاه حصیری پسرعموهای افغانی خودمانند که البته آن‌ها موسیقی جاز می‌نوازند، اینها با ناس حال می‌کنند). در جرم و جنایت تقریباً هر دو مهمان ناخوانده دست کمی از هم ندارند.ال پاسو، شهری در نزدیکی مرز مکزیک، محل زد و خورد گروه‌های خافکار در فیلم‌های دهه ۶۰ بود. درست مثل فیلم‌های مضمون قاچاقچیان ترک‌پاک و هروئین‌خودمان که اگر چند سکاتسی در جاده‌های منتهی به خاش و زاهدان و شن‌زار های آن دور و اطراف ناشسته باشد کسی فیلم‌را جدی نمی‌گیرد

نقطه قوت تیم تبلیغاتی ترامپ در هر دو انتخابات که برنده شد هیجان آفرینی در پشت‌شعارهایی گامه‌متناقض باهم بود. ترامپ هیچ‌گاه برنامه‌ای مدون که مانند چرخ دنده‌های یک جعبه دنده در ارتباط باهم برای رسیدن به هدفی معین کار کنند نداشت، بلکه مجموعه‌ای از فر فرهایی را نشان می‌داد که با هر ورزش نسیمی بی‌آنکه مزاحمتی برای هم وجود آورنده تنهایی می‌چرخیدند. و بر هیجان‌ناجرامی افزودند. این شور و شوق بی‌هدف و بی‌ریشه‌می‌تواند تا پایان مستی شبانه سرگیجه‌ی لذت بخشی بیافرنند اما برای حرکت رو به جلو با فر فرهای کنار پارک‌ها کاری ساخته نیست و لازم‌است چرخ دنده‌ها هم‌تندبچرخند.

هر جعبه دنده‌ای تا حدی از سرعت را تحمل می‌کند. وقتی حاکمتر سرعت یک ماشین از تحولات جامعه عقب‌ماند، راه حل ساختن یک جعبه دنده پرسرعت است. آنچه ترامپ با جامعه امریکا کرد، تعمیر اساسی چرخ دنده‌هایی که کار نمی‌کردند نبود، بلکه آن‌ها را از موتور باز کرد و گفت از امروز هر کس هر طور که دلش خواست بچرخد

چهارشنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۳
نمره ۴۷



خشونت جاری در فضای مجازی

حریم امنی برای کسی باقی نمی‌گذارد

جمعی از اصحاب قلم و رسانه‌ی استان بیانیه‌ای صادر کردند

وقایع اتفاقیه—حربی نخطه‌ی برخی از فعالان و پیشکسوتان رسانه‌ای استان زنجان توسط برخی از کشتگران ناشناس شبکه‌های اجتماعی، جمعی از اصحاب قلم و رسانه‌ی استان بیانیه‌ای صادر کرد. متن بیانیه به این شرح است:

چون مورینه بیشه‌ی مارا ز ریشه شدن خورد

کاری که کرد تفرقه با ما تیر نکرد

حسین منزوی

شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، فضای بسیطوبی سابقه‌ای را برای گفت‌وگوهای همگانی و همفکری و هم‌افزایی عمومی و نیز تکوین تفکر توسعه‌گرا گشوده‌است. کیست که قلم و منزلت این موهبت دنیای مدرن را نلاند و ارزش این ظرفیت فزاینده را نشانداند و در جهت بهینه شدن امور جمعی به‌راهی از آن نبرد.

گفت‌وگو درجه‌های انسانی است که رو به آفتاب و افق‌های روشن بازمی‌شود و هر جان تپنده‌ای را از اعماق تاریکی به دنیای نورپرتابی می‌کند. بدیهی‌است که گفت‌وگو همیشه به دنبال اجماع نیست ولی در فرایند فرارونده‌ی آن دیدگاه‌های مختلف قابل درک می‌گردند. در نتیجه موانع فهم مشترک فرو می‌ریزند و ما در هر هیأتی محکوم به همپا کردن فضای آرام، زیان‌متین و روح مفاهمه برای نیل به سعادت جمعی هستیم.

انتظار می‌رود همه‌ی کشتگران شبکه‌های اجتماعی، آورنده‌های فکری، اخلاقی، انسانی خود را در این عرصه‌ی پهنابور با دیگران به افشراک گذاشته و سود خود را از این بازار سرمایه‌ی انسانی درو کنند. فراموش نکنیم هیچ چیز نمی‌تواند برای ما مفید باشد مگر اینکه برای همگان مفید باشد. بنابراین ضمن تبری از تخطی و تجاوز به حقوق دیگران و تقویت بضاعت جمعی خود، جا دارد همه‌ی دوستان، مخالفان و یکایک کسانی که دغدغه‌ی آراش عمومی و آزادی‌های مدنی را دارند برای صیانت و تعمیق و توسعه‌ی این امر ارزنده، برخی اقدامات ایذایی را که هر گاه‌ی منجر به تخریب فضای گفت‌وگو و خدشه‌ار شدن شأن و شئون شخصیتی دیگران می‌گردد کنترل نموده و برای تمشیت امور عمومی همت گمارند. زیرا این اباحه‌گری و بستن تهمت‌های شیخ، دامنه‌ی این تباهی را به سوی خویش و خویشانداری فرامی‌خواند. برای شک خشونت جاری در فضای مجازی حریم امنی می‌تواند باشد. بی‌کسی باقی نمی‌گذارد و در آن هنگامه و هیاهو صدای فرد خشونت‌ور نیز شنیده نخواهد شد. و این خود دوزخی مخوف است که باید از وقوع آن پیشگیری کرد.

بنابراین ملزم بودن به اصول اخلاقی و رعایت حریم و حرمت دیگران اولین شرط پیروزی در عرصه‌ی عمومی است و کسانی برنده‌ی مشارکت‌های اجتماعی هستند که حیثیت و حقوق عمومی دیگران را به مثابه‌ی ناموس خود دانسته و با جینیندیش و منشی، دسته‌گلی را به جامعه‌ی آگاه و جان‌های آزاد هدیه می‌کنند.

فعالیت موثر در عرصه‌ی رسانه‌ظرافت و مهارت‌های خاص خود را دارد، اصلی‌ترین وظیفه‌ی رسانه، نظارت بر محیط ایجاد همبستگی‌های اجتماعی افراد انتقال میراث فرهنگی است. همچنین اعتدالی آگاهی و آزادی‌های فردی و دفاع از حقوق عمومی از مواردی است که رسانه‌های مجوم آند. و بی‌شک منافع صنفی رسانه نیز از دل همین منافع کلی و همگانی تأمین می‌گردد و این همان سرمایه‌ی است که او در بورس همگانی جامعه‌نهادده و مدافع قوانین کلی حاکم‌بر آن بازار است.

در پایان با ادای احترام به پیشکسوتان عرصه‌ی مطبوعات و اعلام حمایت از حقوق صنفی خبرنگاران و اصحاب رسانه‌ی استان و تکریم جایگاه حقوقی و خاندادگی آن‌ها و نیز حرمت نهادن به نظر و قلم یکایک کشتگران فضای مجازی، از همه‌ی عزیزان می‌خواهیم نسبت به رعایت حرمت و شخصیت هم‌دیگر دقت بیشتری نمود. و عرصه‌ی عنایت‌های صحنه‌ی سعایت‌بر و نگاه‌اند.

به جان زنده‌دلان سعادیا که ملک وجود نیززد آن که دلی را از خود بیازاری

جمعی از اصحاب قلم و رسانه‌ی استان زنجان

خانواده‌های محترم مالکی و جم
مصیبت وارده به شما عزیزان ارجمند تسلیت می‌گوییم. از خداوند متعال برای آن عزیزان دست‌رفته رحمت و مغفرت و برای یکایک داغدیدگان صبر و سلامتی آرزو مندیم
موج‌بیداری

سرور عزیز و ارجمند جناب دکتر مناف نظری
در گذشت همسر عزیزتان به جناب عالی و خانواده‌ی گرامی تسلیت می‌گوییم. از خداوند متعال برای آن عزیزان دست‌رفته رحمت و مغفرت و برای یکایک داغدیدگان صبر و سلامتی آرزو مندیم
موج‌بیداری

اعلانات

عکاسان روایان بی رحم تاریخ حلمرحمتی



عکاسی پدیده‌ای مدرن‌است که بعداز انقلاب‌صنعتی جهان راشگفت زده کرد.به عبارتی ظهور عکاسی وجامعه‌شناسی به‌لحاظ تاریخی،به زخم‌هایتایم بخشید.زیر مطالعه گسترده جامعه‌شناسی وپرسشگری دزدندانخی نه‌تنه‌پایه‌ی جامعه‌گسترده گشت که دلایل ریخ انسان راه سادگی می شد.دانست و امر دانستن دستاوردهیزیرگری رایه‌ارمعان آرد.اهمیت پذیرفتن زبان نقدردوره‌ای که سیاستمداران دپئی کشور گشایی و جنگ بودنداین امکان را برای آحاد جامعه فراهم می ساخت که با صصای بلندبنویسند.چرا؟

امادراین میان‌پدیده‌ای معام‌عکاسی به‌چشم‌آگاهی می‌بخشید. به‌عنوان مثال عکسی که در روزنامه هامنشر می شد.فراغ از هیاهوی خبری همگان رامتقاعمی کرد.این روایت حقیقت دارد و باید در برابر حقیقت ایستاد و چاره‌ای ال‌دیشد.اهمیت عکاسی به‌عنوان ابزارخوئی اسناد تاریخی نه‌تنه‌پایه‌ی جامعه‌شناسی شناخت‌بلکه‌مورخان‌دیبان‌و فلاسفران نیز تحت‌تأثیر این انقلاب بزرگ قرار داد.زیر اذات عکاسی روایت حقیقت است و والتر بنیامین به روشنی می گوید:عکاسی دمکرات ترین هنرنویسندست

بعداز وقایع ۱۱ سپتامبر جیمز ناچوی عکاس نام‌آشنای جنگ گفت:سیاستمداران بایداز دوربین مابه‌را ساند.عکاس مستند رسالتی دیگر سان‌برگر دهه‌ایش می کشید.روایت حقیقت اکنون باید از خود پرسید حقیقت چیست و اِتزام روایت حقیقت چه قدر دارای اهمیت‌است.

بازگردیم به روایت نبرد نرماندی «Invasion of Normandy» جنگ جهانی دوم نیروهای متفقین به رهبری آمریکا و تحت فرماندهی ژنرال دوایت آیزنهاور در ۶ ژوئن ۱۹۴۴ بر کرانه ساحل نرماندی در جهت آزادسازی اروپای اشغالی و بانبروهای آلمان نازی جنگیدند و توانستند به سربازان آلمان نازی شکستی تاریخی تحمیل کنند.آنچه در نبرد D-Day به یادگار مانده به ندرت یادشکو واریت کارپایا داورپیش بود او روایت خیر و شر را از نزدیک به زبان تصویر می نوشت، از دیرباز آدمی علاقه عجیبی به شنیدن قصه‌داشت و همواره زیبایی قصه را روایت خیر و شر معنا می یافت و بزرگترین عکاس جنگ در تمام ادوار تاریخی در آن بزرگناه سلاحش تنها دو دوربین ۳۵ میلی‌متری بود.

رابطت کاپا با تاریخ نگاری جامعه‌شناسی جنگ را نیز به‌فرهنگ‌ولو گاتی مفاوود«جامعه‌شناسی جنگ»شاخه‌ای از جامعه‌شناسی است که به آسیب‌شناسی و بررسی انگیزه‌های جنگ و به شناخت موثر روحیه مردم و دشمن متجاوز می پردازد.در جامعه‌ابتدایی نزاع اقوام مجلودو عمده علت آن به‌غنیمت گرفتن ناشایستی جویی،خودنمایی بزرگان قوم را به نمایش می کشد.از این رو جنگ در تعریف کلاسیک،کانون‌الهی،خشم آمیز و فریب‌ناپذیر و جنگ‌ناهنی مناسک قبیله ای و اسطوره سازی، اما با فزونی یافتن دانش بشر و پیدایش کتابت و توسعه از تباط جمععی معنای جنگ نیز دگرگون شد.برخی بر این باورند جنگ نقش به‌سزایی در کنترل جمعیت‌داشته یازبازی قدرتمند برای تزکیه انسان است. میراث ویرانگر جنگ و تربیت افراد برای کشتن و تولید سلاح یک هدف مصوم دارد.تصاحب منابع و کاشاکن اقتصادی در روابط بین المللی و سیاست در نبرد نماندی که روایتی از جنگ جهانی دوم است.ما حقیقت را می‌خوانیم به زبان گلوله.همان‌صصای کاشاکن ریح‌های قلم را می‌شنویم و سربازانی که ناگه بر روان اج جسم متلاشی خود را تپه می‌یابد.سربازانی که برآی ایدئولوژی و هوئی قدرت نثار می کند.جاش را و بعد از آن می‌اگر این آگاهی در وجود تریک اش نقش بینداند.بی‌گمان از خودستوال می‌کرد از چه فرمُرد برای چه به کلامین دلایل.

رابطت کاپا با چشم‌های پیدلارش راوی و سرباز حقیقت بود او حقیقت را سراسر می‌شرد.او از منظر جامعه‌شناس تاریخ نگارنده منظر عکاس با کلام هوبت دوغین با استین‌بی آنکه از پرواز گلن‌های هدف به‌ساعت آزاد تصاحب منابع و دل‌آب فرو رفته بود و دگمه شاتر را با ضربهانگ قلبیه به نقطه انجماد می‌زد.ای‌چنین شهلمتی سزوار تحسین و تکریم نیست.

بسیاری از صاحب نظران و منتقدان هنری بر این باورند یک عکس از ۱۱ قالب درخشانی که از نبرد نرماندی به یادگار مانده را به‌نام آتُر پیکاسو معاوضه نخواهند کرد. شاید چنین نظری‌های باصراحتی بیمناک‌مناخ علاقمندان نقاشی خوش‌نیا پذیرد.صومرکنیدینیک‌واقامت‌گاهش زینور درخشان ماه نستسته‌شام و مسر مورد علاقه‌اش را صرف و بعداز گفتگویی کوتاه با محویش تمام قریحه و خیالش را به کار بسته آنچه در ذهنش می‌گذرد را در قلم بوم پدیدار سازد.روایتی نو سیه‌فند که ماهیت آن کلام فارسی و اکتسابی است.بعد از دو دهه‌دهه و هجده نگاه زیباشناختی به جهان تغییر یافت و آفرینشگری درصدد آن بود از زبان عیوبر کند و امری لزایا را به جهان و چشم‌ها نشان دهد.باید خاطر نشان کرد این ادراک بصری و شگفت انگیز ماحصل لمس حقیقت‌است حقیقتی که نمی‌توان چشم‌را فریوست زیرادر بل‌خوانی حقیقت برنده با بازنده مهم نیست بلکه ما با روایتی ه‌لناک مواجه‌ایم.از جنس سویدان گوش‌ت در مهم شکستن سخنوران شادمانه‌یاد پاریت‌گزار برای نام‌مفهوم‌تصدیر دیگری زایش پیش از افروختن شعله‌های جنگ‌جیموزن‌دبی تورات اثبات گفتمان و دیپلماسی برسرمیز مذاکره و فشردن دوغین دست‌ها و عکس‌های یادگاری رجالی سیاسی شاید نتایج خیره کننده‌ای را به محیط زیست حیوانات و آدمی ارزانی کند و آن مهم چیزی جز حقیقت…**ادامه در ستون وویرو**

شاکر دان و ارادتمندان حضرت آیت الله خمینی بودند و باور به اسلام سیاسی داشتند و تأکید می‌کردند که اسلام می‌تواند به اقتصاد، سیاست، اجتماع و همه مسائل پاسخگو باشد. وی ادامه داد: طیف دوم سنتی‌هایی بودند که تأکید داشتند در دوران غیبت تکلیفی برای تشکیل حکومت نداریم لذا کسانی که معتقد بودند، حکومت در دوره غیبت نامشروع است، طبیعتاً کنار رفتند و دکتر فیرحی جوان، باور به اسلام سیاسی دارد.

دکتر فیرحی جمهوریت را اولویت قرار می‌داد

وی به پرسش دوم اندیشه سیاسی در حوزه علمیه قم اشاره و اظهار داشت: از سال ۷۶ تا اواسط دهه ۸۰، پرسش این است که نسبت بین اسلامیت و جمهوریت چیست؟ از همان جریان‌های

که معتقد به اسلام سیاسی هستند، دو طیف‌ها هم‌جدا می‌شوند، کسانی که معتقدند اسلامیت مقدم است و کسانی که معتقدند جمهوریت مقدم است. دکتر

فیرحی در طیف دوم قرار داد یعنی اولویت رادر جمهوریت می‌داد.

وی بیان کرد: بعد از تحولات سال ۸۷، ۹۶ و ۹۸ پرسش سومی مطرح شد و آن اینکه آیا حکومت بر پایه نیه کارآمدی دارد یا ندارد؟ در این خصوص چهار جریان شکل گرفت، گروه اول حرفشان این بود که درست است ما به آرمان‌های انقلاب به‌صورت کامل نرسیدیم، ما اعلت آن این است که حکومت‌ها و دولت‌ها در دست کسانی بودند که به اسلام سیاسی باور حقیقی نداشتند. آنها معتقد بودند که راهکار این است که از جمهوریت اسلامی به حکومت اسلامی کوچ کنیم.

این طیف اکنون هستند و در سال‌های گذشته هم قادرتمند بودند گروه دوم، سستی‌های به‌حاشیه‌رفته‌اول انقلاب بودند که دویاره باورهای جدید بازگشتند و حرفشان این بود که ما از ابتدا بگینیم که نین‌نیاید پایه حکومت قرار گیرد و روحانیت باید به رسالت‌های تاریخی خودبرگردد و نه‌اینها تصور مهم(چه دینی و چه غیردینی) را دولت‌ها دارد. می‌کنند.بنابراین روحانیت کاری جز فتوا و در نهایت امر به معروف ن‌دارد.

گروه سوم نیز معتقد بودند که باید به جمهوریت و اولاد دموکراتیک بازگردیم که دکتر فیرحی در این گروه قرار داشت و به فکر بازسازی و دموکراتیزه کردن جمهوری اسلامی بود. گروه چهارم در حوزه علمیه معتقد بودند که نهاد دین باید از نهاد سیاست جدا شود، این طیف عمدتاً کسانی بودند که در حاشیه حوزه در دانشگاه‌ها هم تحصیل می‌کردند و با علوم جدید آشنا شدند. اما تجربه ۲۰ ساله رازینر دیدند.

وی در ادامه به سه دوره فکری دکتر فیرحی اشاره و اظهار کرد: دوره اول فکری، از سال ۷۸ تا اواسط سال ۸۰ است. در این دوره، اقتدرت، دانش و مشروعیت در اولویت تألیف می‌شود. استاد فیرحی در این کتاب بررسی می‌کند که فقه‌اقتدار گرا در چه زمینه‌یافتنی شکل گرفته‌است. کتاب دوم «نظام سیاسی و دولت در اسلام» است که دکتر فیرحی در این کتاب تلاش می‌کند آرای سیاسی اهل سنت و شیعه را بررسی کند. او بیانید که چه‌قدر می‌توانستند وارد تفکرات جدید شوند، اما در نهایت باز توضیح و تفصیل فقه اقتدار گراست. کتاب سوم «تاریخ تحول دولت در اسلام» است. چون دکتر فیرحی رویکرد فکریی داشت، دوره‌های گسست یعنی صدر اسلام و دوره مشروطه را بررسی می‌کرد و در حال رفت و برگشت میان این دو دوره بود.

تاران اضافه کرد: دکتر فیرحی در کتاب «تاریخ تحول دولت در اسلام» بیان می‌کند که دو مدل فکری سیاسی داشته‌یم که یکی در مکه و دیگری در مدینه شکل گرفت. فکر حاکم در مکه تمرکزگرا بود، اما فکر حاکم در مدینه گویا بر پایه شورا بود چرا که بعد از پیلهای(رض) فکر تمرکزگرا ادامه پیدا کرد و مدل مدینه بسط پیدا نکرد. بنابراین دوره اول چندان نظری به ایجابی ندارد و به‌سترهای شکل‌گیری نگاه اقتدارگرا را توضیح می‌دهد. دوره دوم نیز از اواخر دهه ۸۰ و به‌شأن دولت جلد کتاب فقه و سیاست شکل گرفت و پرسش این بود که فقه مشروطه از چه عناصری ساخته شده‌است؟ چه‌فهمایی از درون فقه و اصول و با چه مکانیسم و اجتهادی توانسته ارتباطش را با جهان جدید و این سنت برقرار کند؟ مفهوم کلیدی که دکتر فیرحی در کتاب جلد اول «فقه و سیاست» مطرح می‌کند، مفهوم «حق» است. بحث ایشان این است که پایه خوانش اقتدارگرا بر تکلیف بود و گویا در دوره مشروطه فرد محق شکل می‌گیرد.

وی عنوان کرد: کتاب بعدی که این فضا را بزرگتر می‌کند، کتاب «آستانه تجده» است. در این کتاب دکتر فیرحی این پرسش را مطرح می‌کند که مرحوم نایینی به عنوان یک فقیه بزرگ موضوعات مجلس برآی، مشارکت سپردن بخش‌های غیر محسوس به مردم، را چگونه استنباط کرده‌است. روش کتاب «آستانه تجده» بشیعه‌مشرح‌های کتاب‌های سنتی حوزوی است که علم‌ابرا ی اینکه طلبه‌ها متوجه مفاهیم این کتاب‌ها شوند، موضوع را شرح و بسط می‌داند و لذا دکتر فیرحی نیز به‌صورت مفصل این کتاب را گسترش می‌دهد.

کتاب دیگر، «حکمرانی اهل حزبی» است. ایشان تلاش می‌کنند بر این موضوع بحث کنند که در شیعه مطرح بود، ببیند که آیا راهی پیدا می‌کند که حزب و شکل‌گیری حزب و رقابت را مشروع بداند. این دوره هم گویا با نقلیهایی که می‌شود کم‌کم تحول پیدامی‌کند. یکی از نقلیه‌های جلدی که دکتر فیرحی تحت‌تأثیر آن قرار گرفته بود سخن استاد مجتهد شبستری بود. فرمایش ایشان این بود که من که فقه را معتبر نمی‌دام، نظریه و تئوری

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فرامرز نجاری

رییس شورای سردبیری: حسین نجاری
لیتوگرافی امیر، چاپ: کتیبه

نشانی: زنجان، خیابان ۱۷ شهروور، ابتدای خیابان انقلاب اسلامی، پلاک ۳۲۴

تلفن: ۳۳۵۶۸۷۰، کد پستی: ۴۵۱۸۳۳۷۹

فیرحی، متفکری مدرن

مراسم گرامیداشت چهارمین سالروز درگذشت دکتر داوود فیرحی برگزار شد



شمارا چطور باید پذیریم شما باید ابتدا در حوزه کلام و الهیات این فقه را معتبر و موجه کنید و سپس من راجع به آن فقه صحبت‌کنم

تازمانی که نتوانیم در حوزه الهیات برابری را موجه کنیم، فقه متحول نخواهد شد

وی ادامه داد: دو کتاب «قانون و بحران دولت» نشان می‌دهند که فقه دموکراتیک ولو بر پایه مشروطه در یک مواردی موفق نبود. در حوزه قانون‌گویا نتوانست پارادوکس‌ها و تناقضات را حل کند و در حوزه ملیت نیز نتوانست پاسخی دهد لذا دکتر فیرحی از سال ۹۶ یک بحث جدیدی را مطرح کردند و آن روش شناسی الهیات سیاسی شیعه بود. در این عرصه، بحث بر سر انسان برابر بود و سخن دکتر فیرحی این بود که تازمانی که نتوانیم در حوزه الهیات برابری را موجه کنیم، فقه متحول نخواهد شد.

وی بیان کرد: دکتر فیرحی کتاب دیگری را عمدتاً در دانشگاه تهران تدریس کردند که سال گذشته این کتاب تحت عنوان «پایمیری و فر قرارداد» منتشر شد. این قرارداد بازگشت به حکومت مدینه بود. دکتر فیرحی این نگاه قراردادگرا ارائه را مقلداری وسیع‌تر در نظر می‌گرفت. ایشان می‌گفتند فقه ما با عقود یا ایقاعات یا عبادات است. بخش عبادات تکلیف‌ش مشخص است، مثلاً سغه، گسترده نیست و بخش اصلی، عقود است. مثلاً سغه دولت فیرحی فرصت پیدا نکرد که این موضوع را بیشتر توضیح دهد.

وی با طرح پرسشی مبنی بر اینکه از میراث استاد فیرحی برای مسایل امروز چه‌می‌توانیم داشته‌باشیم؟ گفت: یکی از کارهایی که دکتر فیرحی در حوزه عمل و نظر انجام می‌داد، پل زدن بود. دکتر فیرحی از جمله شخصیت‌های مری‌بود روی میباحثی چون «حوزه دانشگاه»، «ایران» اسلام»، «سنت، تجده» و «روشنفکری‌نگاه سنتی‌کار» کرد. روش و حوزه فکری که دکتر فیرحی داشت، در ایران صد پایه امروز که موزاییک‌های آن از هم جدا شده‌و به ملات‌هایی نیاز دارد اما در نهایت باز توضیح و تفصیل فقه اقتدار گراست. کتاب دکتر فیرحی از جمله شخصیت‌های مری‌بود روی میباحثی «حوزه دانشگاه»، «ایران» اسلام»، «سنت، تجده» و «روشنفکری‌نگاه سنتی‌کار» کرد. او بیانید که چه‌قدر می‌توانستند وارد تفکرات جدید شوند، اما در نهایت باز توضیح و تفصیل فقه اقتدار گراست. کتاب سوم «تاریخ تحول دولت در اسلام» است. چون دکتر فیرحی رویکرد فکریی داشت، دوره‌های گسست یعنی صدر اسلام و دوره مشروطه را بررسی می‌کرد و در حال رفت و برگشت میان این دو دوره بود.

تاران اضافه کرد: دکتر فیرحی در کتاب «تاریخ تحول دولت در اسلام» بیان می‌کند که دو مدل فکری سیاسی داشته‌یم که یکی در مکه و دیگری در مدینه شکل گرفت. فکر حاکم در مکه تمرکزگرا بود، اما فکر حاکم در مدینه گویا بر پایه شورا بود چرا که بعد از پیلهای(رض) فکر تمرکزگرا ادامه پیدا کرد و مدل مدینه بسط پیدا نکرد. بنابراین دوره اول چندان نظری به ایجابی ندارد و به‌سترهای شکل‌گیری نگاه اقتدارگرا را توضیح می‌دهد. دوره دوم نیز از اواخر دهه ۸۰ و به‌شأن دولت جلد کتاب فقه و سیاست شکل گرفت و پرسش این بود که فقه مشروطه از چه عناصری ساخته شده‌است؟ چه‌فهمایی از درون فقه و اصول و با چه مکانیسم و اجتهادی توانسته ارتباطش را با جهان جدید و این سنت برقرار کند؟ مفهوم کلیدی که دکتر فیرحی در کتاب جلد اول «فقه و سیاست» مطرح می‌کند، مفهوم «حق» است. بحث ایشان این است که پایه خوانش اقتدارگرا بر تکلیف بود و گویا در دوره مشروطه فرد محق شکل می‌گیرد.

وی عنوان کرد: کتاب بعدی که این فضا را بزرگتر می‌کند، کتاب «آستانه تجده» است. در این کتاب دکتر فیرحی این پرسش را مطرح می‌کند که مرحوم نایینی به عنوان یک فقیه بزرگ موضوعات مجلس برآی، مشارکت سپردن بخش‌های غیر محسوس به مردم، را چگونه استنباط کرده‌است. روش کتاب «آستانه تجده» بشیعه‌مشرح‌های کتاب‌های سنتی حوزوی است که علم‌ابرا ی اینکه طلبه‌ها متوجه مفاهیم این کتاب‌ها شوند، موضوع را شرح و بسط می‌داند و لذا دکتر فیرحی نیز به‌صورت مفصل این کتاب را گسترش می‌دهد.

کتاب دیگر، «حکمرانی اهل سنتی، شیعه‌شود و بر عکس» است. ایشان تلاش می‌کنند بر این موضوع بحث کنند که در شیعه مطرح بود، ببیند که آیا راهی پیدا می‌کند که حزب و شکل‌گیری حزب و رقابت را مشروع بداند. این دوره هم گویا با نقلیهایی که می‌شود کم‌کم تحول پیدامی‌کند. یکی از نقلیه‌های جلدی که دکتر فیرحی تحت‌تأثیر آن قرار گرفته بود سخن استاد مجتهد شبستری بود. فرمایش ایشان این بود که من که فقه را معتبر نمی‌دام، نظریه و تئوری

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فرامرز نجاری

رییس شورای سردبیری: حسین نجاری
لیتوگرافی امیر، چاپ: کتیبه

نشانی: زنجان، خیابان ۱۷ شهروور، ابتدای خیابان انقلاب اسلامی، پلاک ۳۲۴

تلفن: ۳۳۵۶۸۷۰، کد پستی: ۴۵۱۸۳۳۷۹

قاضی که مراجعه‌می‌کنند از همان ابتدا ذهنیت این است که قاضی بی طرف است. طرفین امله را ارایه می‌کنند و طبق مقررات عمومی، قاضی حق تسهیل دلیل به نفع دیگری را ندارد.

اما در حوزه حقوق کیفری که ساز و کار قهر آمیز اعمال حاکمیت و قدرت سیاسی است، ما عقلی بین طرفین نداریم، یک طرف قدرتی به نام دولت است و طرف دیگر کسانی که مدعی تضییع حقوق خود هستند. در دولت مدرن آنچه اتفاق می‌افتد این است که دفاع مشروع به برعهده اشخاص در پیشادولت بود، ظاهراً در مفهوم قرارداد اجتماعی به حکومت منتقل شده است و به این جهت یکی از وظایف کلیدی حکومت عبارت است از توسل انحصاری به‌فوقه‌فهریه برای صیانت از حقوق عامه و برای صیانت از امنیت شهروندان و آزادی

آنها که به موجب جرم واقع می‌شود. لذا مساله مهمی که در تعارض میان قانون‌گذاری مدرن و شریعت اتفاق می‌افتد این است که شریعت احکامی در حوزه جزاییات دارد که بنابر فهم سنتی و براساس فقه‌سنتی و الهیاتی که بر مبنای آن هست، اینها

ذیانت‌شریعت هستند. در این مراسم دکتر فیروز محمودی جانکی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران به نسبت حقوق کیفری و اندیشه‌های دکتر فیرحی اشاره و اظهار کرد: یکی از کتاب‌هایی که پس از درگذشت استاد فیرحی منتشر شد، کتاب «دولت مدرن و بحران قانون» است. این کتاب نتیجه‌ای تمام‌دارد که به علت درگذشت‌استاد فرصت تکمیل آن فراهم نشد.

وی گفت: دکتر فیرحی در یک سخنرانی تحت عنوان «تبار شناسی رابطه قانون و شرع در ایران معاصر» با اشاره به دشواری مفهوم قانون و شکل‌گیری این مفهوم در ایران خصوصاً در گذشته مشروطه دوره مشروطه و پایه‌آبادآوری فرمان‌مشروطیت و نطقی که مظفرالدین‌شاه ارائه کرده‌بود، اشاره‌می‌کند که وظایف مجلس که اساس دولت جدید است، دو امر است یکی «مظهر افکار عامه» و دیگری «احتیاجات اهالی مملکت». بر این مبنا مدینه بود. دکتر فیرحی این نگاه قراردادگرا ارائه را مقلداری وسیع‌تر در نظر می‌گرفت. ایشان می‌گفتند فقه ما با عقود یا ایقاعات یا عبادات است. بخش عبادات تکلیف‌ش مشخص است، مثلاً سغه، گسترده نیست و بخش اصلی، عقود است. مثلاً سغه دولت فیرحی فرصت پیدا نکرد که این موضوع را بیشتر توضیح دهد.

وی بیان کرد: دکتر فیرحی کتاب دیگری را عمدتاً در دانشگاه تهران تدریس کردند که سال گذشته این کتاب تحت عنوان «پایمیری و فر قرارداد» منتشر شد. این قرارداد بازگشت به حکومت مدینه بود. دکتر فیرحی این نگاه قراردادگرا ارائه را مقلداری وسیع‌تر در نظر می‌گرفت. ایشان می‌گفتند فقه ما با عقود یا ایقاعات یا عبادات است. بخش عبادات تکلیف‌ش مشخص است، مثلاً سغه، گسترده نیست و بخش اصلی، عقود است. مثلاً سغه دولت فیرحی فرصت پیدا نکرد که این موضوع را بیشتر توضیح دهد.

وی با طرح پرسشی مبنی بر اینکه از میراث استاد فیرحی برای مسایل امروز چه‌می‌توانیم داشته‌باشیم؟ گفت: یکی از کارهایی که دکتر فیرحی در حوزه عمل و نظر انجام می‌داد، پل زدن بود. دکتر فیرحی از جمله شخصیت‌های مری‌بود روی میباحثی چون «حوزه دانشگاه»، «ایران» اسلام»، «سنت، تجده» و «روشنفکری‌نگاه سنتی‌کار» کرد. روش و حوزه فکری که دکتر فیرحی داشت، در ایران صد پایه امروز که موزاییک‌های آن از هم جدا شده‌و به ملات‌هایی نیاز دارد اما در نهایت باز توضیح و تفصیل فقه اقتدار گراست. کتاب دکتر فیرحی از جمله شخصیت‌های مری‌بود روی میباحثی «حوزه دانشگاه»، «ایران» اسلام»، «سنت، تجده» و «روشنفکری‌نگاه سنتی‌کار» کرد. او بیانید که چه‌قدر می‌توانستند وارد تفکرات جدید شوند، اما در نهایت باز توضیح و تفصیل فقه اقتدار گراست. کتاب سوم «تاریخ تحول دولت در اسلام» است. چون دکتر فیرحی رویکرد فکریی داشت، دوره‌های گسست یعنی صدر اسلام و دوره مشروطه را بررسی می‌کرد و در حال رفت و برگشت میان این دو دوره بود.

وی گفت: دکتر فیرحی در یک سخنرانی تحت عنوان «تبار شناسی رابطه قانون و شرع در ایران معاصر» با اشاره به دشواری مفهوم قانون و شکل‌گیری این مفهوم در ایران خصوصاً در گذشته مشروطه دوره مشروطه و پایه‌آبادآوری فرمان‌مشروطیت و نطقی که مظفرالدین‌شاه ارائه کرده‌بود، اشاره‌می‌کند که وظایف مجلس که اساس دولت جدید است، دو امر است یکی «مظهر افکار عامه» و دیگری «احتیاجات اهالی مملکت». بر این مبنا مدینه بود. دکتر فیرحی این نگاه قراردادگرا ارائه را مقلداری وسیع‌تر در نظر می‌گرفت. ایشان می‌گفتند فقه ما با عقود یا ایقاعات یا عبادات است. بخش عبادات تکلیف‌ش مشخص است، مثلاً سغه، گسترده نیست و بخش اصلی، عقود است. مثلاً سغه دولت فیرحی فرصت پیدا نکرد که این موضوع را بیشتر توضیح دهد.

وی گفت: دکتر فیرحی در یک سخنرانی تحت عنوان «تبار شناسی رابطه قانون و شرع در ایران معاصر» با اشاره به دشواری مفهوم قانون و شکل‌گیری این مفهوم در ایران خصوصاً در گذشته مشروطه دوره مشروطه و پایه‌آبادآوری فرمان‌مشروطیت و نطقی که مظفرالدین‌شاه ارائه کرده‌بود، اشاره‌می‌کند که وظایف مجلس که اساس دولت جدید است، دو امر است یکی «مظهر افکار عامه» و دیگری «احتیاجات اهالی مملکت». بر این مبنا مدینه بود. دکتر فیرحی این نگاه قراردادگرا ارائه را مقلداری وسیع‌تر در نظر می‌گرفت. ایشان می‌گفتند فقه ما با عقود یا ایقاعات یا عبادات است. بخش عبادات تکلیف‌ش مشخص است، مثلاً سغه، گسترده نیست و بخش اصلی، عقود است. مثلاً سغه دولت فیرحی فرصت پیدا نکرد که این موضوع را بیشتر توضیح دهد.

وی گفت: دکتر فیرحی در یک سخنرانی تحت عنوان «تبار شناسی رابطه قانون و شرع در ایران معاصر» با اشاره به دشواری مفهوم قانون و شکل‌گیری این مفهوم در ایران خصوصاً در گذشته مشروطه دوره مشروطه و پایه‌آبادآوری فرمان‌مشروطیت و نطقی که مظفرالدین‌شاه ارائه کرده‌بود، اشاره‌می‌کند که وظایف مجلس که اساس دولت جدید است، دو امر است یکی «مظهر افکار عامه» و دیگری «احتیاجات اهالی مملکت». بر این مبنا مدینه بود. دکتر فیرحی این نگاه قراردادگرا ارائه را مقلداری وسیع‌تر در نظر می‌گرفت. ایشان می‌گفتند فقه ما با عقود یا ایقاعات یا عبادات است. بخش عبادات تکلیف‌ش مشخص است، مثلاً سغه، گسترده نیست و بخش اصلی، عقود است. مثلاً سغه دولت فیرحی فرصت پیدا نکرد که این موضوع را بیشتر توضیح دهد.

وی گفت: دکتر فیرحی در یک سخنرانی تحت عنوان «تبار شناسی رابطه قانون و شرع در ایران معاصر» با اشاره به دشواری مفهوم قانون و شکل‌گیری این مفهوم در ایران خصوصاً در گذشته مشروطه دوره مشروطه و پایه‌آبادآوری فرمان‌مشروطیت و نطقی که مظفرالدین‌شاه ارائه کرده‌بود، اشاره‌می‌کند که وظایف مجلس که اساس دولت جدید است، دو امر است یکی «مظهر افکار عامه» و دیگری «احتیاجات اهالی مملکت». بر این مبنا مدینه بود. دکتر فیرحی این نگاه قراردادگرا ارائه را مقلداری وسیع‌تر در نظر می‌گرفت. ایشان می‌گفتند فقه ما با عقود یا ایقاعات یا عبادات است. بخش عبادات تکلیف‌ش مشخص است، مثلاً سغه، گسترده نیست و بخش اصلی، عقود است. مثلاً سغه دولت فیرحی فرصت پیدا نکرد که این موضوع را بیشتر توضیح دهد.

وی گفت: دکتر فیرحی در یک سخنرانی تحت عنوان «تبار شناسی رابطه قانون و شرع در ایران معاصر» با اشاره به دشواری مفهوم قانون و شکل‌گیری این مفهوم در ایران خصوصاً در گذشته مشروطه دوره مشروطه و پایه‌آبادآوری فرمان‌مشروطیت و نطقی که مظفرالدین‌شاه ارائه کرده‌بود، اشاره‌می‌کند که وظایف مجلس که اساس دولت جدید است، دو امر است یکی «مظهر افکار عامه» و دیگری «احتیاجات اهالی مملکت». بر این مبنا مدینه بود. دکتر فیرحی این نگاه قراردادگرا ارائه را مقلداری وسیع‌تر در نظر می‌گرفت. ایشان می‌گفتند فقه ما با عقود یا ایقاعات یا عبادات است. بخش عبادات تکلیف‌ش مشخص است، مثلاً سغه، گسترده نیست و بخش اصلی، عقود است. مثلاً سغه دولت فیرحی فرصت پیدا نکرد که این موضوع را بیشتر توضیح دهد.

وی گفت: دکتر فیرحی در یک سخنرانی تحت عنوان «تبار شناسی رابطه قانون و شرع در ایران معاصر» با اشاره به دشواری مفهوم قانون و شکل‌گیری این مفهوم در ایران خصوصاً در گذشته مشروطه دوره مشروطه و پایه‌آبادآوری فرمان‌مشروطیت و نطقی که مظفرالدین‌شاه ارائه کرده‌بود، اشاره‌می‌کند که وظایف مجلس که اساس دولت جدید است، دو امر است یکی «مظهر افکار عامه» و دیگری «احتیاجات اهالی مملکت». بر این مبنا مدینه بود. دکتر فیرحی این نگاه قراردادگرا ارائه را مقلداری وسیع‌تر در نظر می‌گرفت. ایشان می‌گفتند فقه ما با عقود یا ایقاعات یا عبادات است. بخش عبادات تکلیف‌ش مشخص است، مثلاً سغه، گسترده نیست و بخش اصلی، عقود است. مثلاً سغه دولت فیرحی فرصت پیدا نکرد که این موضوع را بیشتر توضیح دهد.

وی گفت: دکتر فیرحی در یک سخنرانی تحت عنوان «تبار شناسی رابطه قانون و شرع در ایران معاصر» با اشاره به دشواری مفهوم قانون و شکل‌گیری این مفهوم در ایران خصوصاً در گذشته مشروطه دوره مشروطه و پایه‌آبادآوری فرمان‌مشروطیت و نطقی که مظفرالدین‌شاه ارائه کرده‌بود، اشاره‌می‌کند که وظایف مجلس که اساس دولت جدید است، دو امر است یکی «مظهر افکار عامه» و دیگری «احتیاجات اهالی مملکت». بر این مبنا مدینه بود. دکتر فیرحی این نگاه قراردادگرا ارائه را مقلداری وسیع‌تر در نظر می‌گرفت. ایشان می‌گفتند فقه ما با عقود یا ایقاعات یا عبادات است. بخش عبادات تکلیف‌ش مشخص است، مثلاً سغه، گسترده نیست و بخش اصلی، عقود است. مثلاً سغه دولت فیرحی فرصت پیدا نکرد که این موضوع را بیشتر توضیح دهد.

وی گفت: دکتر فیرحی در یک سخنرانی تحت عنوان «تبار شناسی رابطه قانون و شرع در ایران معاصر» با اشاره به دشواری مفهوم قانون و شکل‌گیری این مفهوم در ایران خصوصاً در گذشته مشروطه دوره مشروطه و پایه‌آبادآوری فرمان‌مشروطیت و نطقی که مظفرالدین‌شاه ارائه کرده‌بود، اشاره‌می‌کند که وظایف مجلس که اساس دولت جدید است، دو امر است یکی «مظهر افکار عامه» و دیگری «احتیاجات اهالی مملکت». بر این مبنا مدینه بود. دکتر فیرحی این نگاه قراردادگرا ارائه را مقلداری وسیع‌تر در نظر می‌گرفت. ایشان می‌گفتند فقه ما با عقود یا ایقاعات یا عبادات است. بخش عبادات تکلیف‌ش مشخص است، مثلاً سغه، گسترده نیست و بخش اصلی، عقود است. مثلاً سغه دولت فیرحی فرصت پیدا نکرد که این موضوع را بیشتر توضیح دهد.

مطبوعه هفتگی موج‌پیداری

چرا نقد ادبی از دهه‌ی هفتاد به بعد

کانون اندیشه پر دازی درباری

علوم انسانی می‌شود؟

سینا جهاندیده

پیش از دهه‌ی هفتاد نقد ادبی جایگاه مهمی در علوم انسانی ایران نداشت؛ اما بعد از این دهه، کانون اندیشه پر دازی درباری علوم انسانی واقع شد. بنابر این جای تعجب نیست که اندیشه‌ی بزرگترین نظریه پردازان و اندیشمندان غرب به مثل مارکس، فروید، یونگ، لیاپاد، دریدا، فوکو، دلوز و دیگران از چشم انداز نقد و نظریه ادبی فهمیده می‌شود. ما چرا این اتفاق افتاد؟ زیر نقد ادبی از آغاز پیدایش چیزی تزیینی برای ادبیات نبود، و اصلا شعر در عصر ارسطو معنایی چنین مبتذل نداشت. از نظر ارسطو شعر مادیوم حقیقت است؛ چیزی که هایدگر در قرن بیستم دوباره به آن باز می‌گردد. ارسطو مهم‌ترین کتاب خود را به این دلیل به فن شعر یا بویطیقا اختصاص نمی‌دهد که چیزی درباری شعر و وفنون آن بنویسد. از نظر ارسطو شعر مهم‌ترین دروازه جهت ورود برای کشف جهان است. به همین دلیل دو کتاب مهم در ذیل منطق می‌نویسد: نام بویطیاو تئوریکا.

روی آوردن به نقد ادبی در دهه‌ی هفتاد همراه با یک اتفاق عجب بوده است. شعر کارکرد اجتماعی و مردمی خود را از دست داده است. اکنون شعر و شاعری آنچنان برای مردم ایران و حتی جهان مهم نیست. به همین دلیل شعر در ذیل امر شناختی فهمیده می‌شود. شعر از دهه‌ی هفتاد به این سو به آن تعریفی نزدیک شده است که ارسطو از آن در ذهن داشت. ارسطو شعر را برتر از تاریخ می‌دانست. اکنون فهم برتری شعر بر تاریخ تنها از معبر نقد ادبی ممکن است. به نظر من یکی از مهم‌ترین دست‌یافتنی که باید در باره‌ی تبارشناسی شعر در ایران صورت گیرد تحقیق درباری پارادایم‌ها و گفتاه‌های فهم شعر و نسبت آن با حقیقت است. اگر کسی شعر حافظ را با شعر مشروطه مقایسه کند به راحتی می‌فهمد که آنچه شاعرانی امثال نسیم شمال، لاهوتی، فرخی زیدی، و شاعر می‌فهمند هیچ نسبتی با شعر ی نادره که حافظ می‌فهمید. به نظر من شعر مشروطه روح هستی معتقد بود. شاعران را از یاد برده بود. اگر چه نمی‌توانی کرد که این روح از دست رفته را به شعر بازگرداند. اما کلاما موفق نشد. شعر معاصر دچار کدگانگی پارادوکسیکال شد. از یک سو شعر از چون ابزار سیاست به کار می‌گرفت و از سوی دیگر آن را ابزار شناخت می‌دانست.

ارسطو اگر چه از نسبت سیاست و شعر غافل نبود اما شعر را مادیوم حقیقت می‌دانست از نظر او شاعرانی چون هومر و هسیود پدیدار می‌نویسند که تنها روایت می‌سازند و زبان را می‌آزیند بلکه پیامبرانی بودند که از حقیقت می‌گفتند. از این جاست که می‌توان فهمید که چرا افلاطون شاعران را از جمهوری خود بیرون می‌کند زیرا افلاطون شاعران بزرگی چون هومر و هسیود را رقیب سرخست فیلسوفان می‌دانست. اقتدار شاعرانی چون هومر و هسیود مخالف نظریه لایت مطلقه‌ی افلاطون بود. افلاطون معتقد بود تنها احکامی چون شایستگی و هبیری می‌تواند باعث پیدایش شاعران باشد. اما باور تئوریک حقیقت کاذب خلق می‌کنند. از دهه‌ی هفتاد به بعد، کلام کتاب درباری نقد ادبی ترجمه و تألیف شد. هاست. هر چند این کتاب‌ها بیشتر شبه فهم تزیینی، و سیاسی آن کاسته می‌شده است. جالب این است که از دهه‌ی هفتاد به بعد شعر مابقیست مهم‌بلکه رفته‌است. در این دهه شاعرانی را یاد بلندند که اگر چه مجموعه شعر مهم چاپ نکرده بودند اما ملدم در جستجوی کشف شعرهایی برآمدند که نسبت به شعر شاعران دیگر خلاقانه‌تر و عجیب‌تر و نامتعارف‌تر باشد. در چارچوب نظریه‌ی بازنمایی‌شده به همین دلیل شعر ایران از دهه‌ی هفتاد به بعد مخاطب عام خود را از دست داد زیرا از این دهه به بعد دیگر شعر ابزار تهییج سیاسی نبود که مادیومی استبرای خودشناسی و اندیشه‌ی بازگشت به خویشتن است. از دهه‌ی هفتاد به بعد شعر معاصر ایران از دهه‌ی هفتاد خود جمعی و سیاسی اش را که از عصر مشروطه ساخته شده بود از دست داد. بنابر این عجیب نیست اگر در دهه‌ی چهل و پنجاه شاعران جزو خلیل سیاسی و رهبران مخالف خوان بودند. اما در دهه‌ی نود تفکر عامه دیگر مشروعیت سیاسی آنها را نپذیرد و هنرمندان روززنگاران سیاسی تر از آنها بیفهمد.

ادامه از ستون وویرو…
نوده و نیست بی تردید نقش روایان تاریخ بسیار تعیین کننده‌است. عکس‌ها ساند تاریخی آندو هیچ کس نمی‌تواند در بلاغت و نگارش حقیقت دست بردگانه این سؤال برای همگان پیش می‌آید. آیا روایت حقیقت با آثار مستندی که در فرودند تاریخ شکل می‌گیرد قابل دفاع بوده‌اند؟ یا صرفاً باید دید خبری و ضمیمی را در روایت عکس‌ها واکاوی کرد. به بیان بهتر آیا عکاسان مستند توانسته‌اند به قلم‌قه آلوده‌تر و خلاقیت دست‌سایند. در طی‌های اخیر عکاسان ایرانی آیا توانسته‌اند ساند تاریخی بیافرینند؟ پاسخ روشن است. بایداز عباس عطاره به عنوان فیلسوف عکاسی نام برد. هم‌اگونه که «اکس ویر» به مطالعه جامعه‌شناسی ادیان در سراسر جهان پرداخت و سرانجام کلاف سرد گرم عمر به او مجال نداد. اسلام و آیین آن را بررسی نماید. ویر معتقد بود دین نیرویی محافظ کار نیست. برعکس جنبش‌های الهام گرفتارند. چنین چه بسا موجب پوست اندازی اجتماعی نیز شده‌اند. نقطه مقابل فعالیت ماکس ویر، عباس عطار بود که ۱۴ سال مذاهب دنیا را به شکل کتابی معصوم با عنوان «الکبر» گردآوری و عکس کرد.

عصراذعان می‌داشت «مذهب در زندگی من معمای بزرگی است سرانجام توانستم بفهمم چرا مردم به تشریفات مذهبی پایبندند و نیاز روحی عمیق آن‌ها حکم می‌کند. اعتقادات خود را استوار نگاه‌دارند. اینچنین تمهیداتی باید پذیرفت. عباس عطار ضمن آن که توانسته کار نامت‌ویر را به پایان برساند مسیر دیگری را در جریان ادیان‌شناسی جهان ارائه کرده‌است. اگر نام این هنر نیست چیست. ساند روایان این جستار باید پذیریم. عکاسان مستند ضمن آن که توانسته‌اند به قوم هنر و میراث آن بیفزایند. اسناد دقیق و مصوری را آفرید. دل‌ده که دیگر هیچ چشمی قادر به کتمان آن نیست و جهان امروز دیگر نمی‌تواند با فریبکاری و تحریف پیش برود زیرا عکاسان روایان بی رحم تاریخ‌اند.